



فتحعلی آخوندزاده
مکتوبات، چاپ آلمان ۱۳۶۴

« به تکلیف سعد وقاص اسلام را قبول کردیم تا در هر دو عالم به شادی و شاهی بوده باشیم. از عالم آخرت که هنوز خبری نداریم، ولی از عالم دنیا، آنچه واقع است این است که از هجرت تا این زمان به ایرانیان مصیبت هایی رسیده است که در هیچیک از صفحات دنیا خلق بدانگونه مصائب گرفتار نگریده است. آیا لشکری و خونریزی عربها را بگویم یا لشکر کشی و خونریزی غزنویان و سلجوقیان و اتابکان و خوارزمشاهیان و چنگیزیان و آل مظفر و تیموریان و غوریان و شیبانیان و چوپانیان و آق قویونلو و قره قویونلو و پادشاهان صفویه و خوانین افغانیه و افشاریه و زندیه و قاجاریه را، و علاوه بر اینان آنقدر ملوک الطوائف و صاحبان داعیه و خروج در گوشه و کنار مملکت را که به حساب نمیاید؟ نتیجه بشارتی که سعد وقاص داده بود این شد. و تازه تنها اهل ایران نیستند، خود عربها به چه روز رسیدند! حالا در دنیا گمنام تر و بدبخت تر از آنها کمتر طایفه ای میتوان یافت. پس چرا اسلام مایه سعادت ایشان نشد؟ الحال همه آنها گرسنه و برهنه، بی علم و بی هنر، در گوشه ای افتاده میمانند. هرگاه در بت پرستی باقی میبودند یحتمل به روزی رسیده بودند..... حالا تو به من جواب بده که آیا در مدت این یکهزار و دویست و هشتاد سال ظهور اینهمه سلسله های سلاطین برای این ملت چه فایده ای داشت؟ و ملت ما چرا باید اینقدر ناتوان باشد که هر دد و دام از گوشه و کنار سر بلند کند و ملت ایران را دچار اینگونه بلیات نماید؟»

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books>